



۲۰۱۵/۰۹/۲۲

داؤد موسی

چند تبصره مختصر

بر مصاحبه تلویزیونی آقای حامد کرزی

یقین دارم که به زعم عده زیادی از مشاهدین مصاحبه اخیر آقای حامد کرزی با تلویزیون طلوع، آنچه که قابل تبصره می باشد، صفحات چندی را پر کرده می تواند. اما من تنها روی یک تبصره شان در مورد اقتصاد بازار گفتنی هایی دارم.

از جناب شان پرسیده شد که در طول "ریاست های" جمهوری خود از کدام کاری که کرده اند پشیمان می باشند. در جواب گفت که ازین که سیستم اقتصاد بازار را در کشور پیاده کرده اند.

سیستم اقتصاد بازار که آن را عده ای از میان ما به نام "سیستم بازار آزاد" و برخ دیگری به نام "سیستم اقتصاد آزاد" می گویند، در واقع یک سیستم بسیار بی رحمانه اقتصادی می باشد که بره را به مصاف گرگ می فرستد توقع دارد تا اولی ازین نبرد زنده برآید، در حالی که خوب می داند که چنین توقعی به ندرت جامه عمل پوشیده می تواند. در پایان کار اگر موفقیت از آن بره شد، فراتر تشویقش می کند، و اگر به قیمت جاننش تمام شود، به طاق فراموشی می سپارندش و بره دیگری را به همان قربانگاه می فرستد.

تبصره اول: به منظور رفع برخی از تشویش آقای کرزی باید بگویم که فیصله کاربرد سیستم فوق در افغانستان برای بار اول نه در عهد ریاست جمهوری آن جناب صورت گرفت، بلکه این امر به ذات خود یکی از فیصله های کنفرانس بین در سال ۲۰۰۲ بود.

دوم: این که آنچه ما (یعنی آقای کرزی دست بدست با سکتور خصوصی) در کشور پیاده کردیم، صرف به نام سیستم اقتصاد بازار بوده، اما در واقع این سیستم ما نیز عیناً مثل پندار آزادی بیان در افغانستان تمامی خواص یک بی بند و باری و پخپل سری را در بر داشت که در هر دو پندار حتی موازین اخلاقی نیز زیر پا گذاشته شده است.

سوم: "وینستن چرچل" یکی از صدراعظمان سابق دولت انگلیس گفته بود که "دیموکراسی بدترین سیستم سیاسی می باشد که نوع بشر تا کنون به وجود آورده است، به استثناء همه سیستم های دیگر" (۱) سیستم اقتصادی بازار نیز علی الرغم همه قساوت هایی که با آن منسوبش کردیم، یک مزیتی در بغل دارد و آن این که در پایان روز،

۱- چرچل در واقع درین گفتار خود از یکی از صنائع بدیع که (تأکید المَدح بما یثبته الذم) نامیده میشود، کار گرفته است. و آن چنین است که شاعر در مصراع اول شعر خود موضوع را طوری جلوه میدهد که گویا از چیزی یا کسی مذمت مینماید، ولی بر خلاف، معنی مصراع بعدی به مدح همان چیز می انجامد.

دست اندر کاران این سیستم، یک چند قرص نان - ولو که خشک هم باشد، روی دسترخوان فامیل خود گذاشته می توانند که در واقع وقتی صبح از خانه می برابیم، تشبث اکثریت قاطع انسانان به منظور تحصیل همین غایه می باشد. چهارم: می دانیم که سیستم اقتصادی کمونیزم که (انٹی تیز) و مخالف سر سپرده سیستم کپیالیستی را تشکیل می داد (و می دهد)، پیروان و قهرمانان آن از قبیل اتحاد شوروی، ممالک اروپای شرقی و حتی چین و ویتنام نیز یکه از حلقه های مختلف اقتصاد رهبری شده بدر رفته و بعضی شان مثل المان شرقی، و بعضی از همسایگان آن به صورت علنی، و برخ دیگر مثل دولت چین به ظاهر خود را یک دولت کمونستی می خوانند، اما در عمل از تمامی خواص یک سیستم بازار پیروی می نمایند. حتی دولت کیوبا نیز تحت رهبری "راوول کسترو"، برخلاف آنچه که "لایلیش" درین پنجاه سال اخیر اندوخته بود، بیرون از آن حلقه یگان "هوا خوری" می نماید.

پنجم: سیستم اقتصاد بازار برخلاف آنچه به زعم یک عده زیادی از هموطنان ما تعبیر می گردد، کدام سیستم بدون قید و بست نبوده، بلکه حمایت از حقوق مستهلکین در هر قدم آن در نظر گرفته شده است. مثلاً اگر برای تولید یا تهیه یک فرا آورده ای که مورد حاجت عامه بوده، یک یا چند منبع محدود وجود داشته باشد، حالت اولی را مونوپولی (یا انحصار) و حالت دومی را آلیگاپولی می گویند. و در صورتی که همین چند تولید کننده محدود در خفا بین خود طوری تفاهم و "سازک" نمایند که تثبیت نرخ فرا آورده خود را - به صورت مصنوعی و به ضرر مستهلکین بلند نگهدارند، این حالت را "ترست" می گویند. برای جلوگیری از چنین حالت، در اکثر ممالک قوانین "انٹی ترست" وضع گردیده است. اگر در کشور ما اقتصاد بازار به معنی حقیقی آن مروج می بود، هیچ کدام از وارد کنندگان گاز و مواد نفتی افغانی برای این عمل شان به حبس کمتر از ده سال و بیست سال حبس محکوم نمی شدند.

همچنان سیستم اقتصاد بازار اجازه نمی دهد که کسی ادویه بی کیفیت و زهر را به نام دوا به خورد مردم بدهد، یا داکتران مریضان را مجبور بسازند تا دواي خود را تنها از دواخانه هایی که خود همان دکتوران در مفاد آن شریک می باشند، بخرند.

در سیستم حقیقی اقتصاد بازار کنترل جنسیت موادی که کاربرد آن امکان ایجاد خطر جانی و/ یا مالی برای مستهلکین دارد (مثل مواد خوراکی، مواد تعمیراتی، روغنیات تخنیکی، دوا، نشرات مضر به اخلاق عامه و غیره) نیز توسط خود متشبتین بازار آزاد صورت می گیرد. منتهی این ادارات اخیر الذکر اکثراً توسط اشخاص با وجدان اداره می شوند و ما تا حال چنین مأمولی را برآورده نتوانسته ایم.

در پایان باید گفت که سیستم اقتصاد بازار نیز مثل همه سیستم های دیگر از خطر سوء استعمال در امان نبوده و آنچه که هم اکنون در کشور خود مشاهده می نمایم، بهترین مؤید این ادعاء می باشد. مثال خوب آن

در دنیای غرب نیز بحران بانکی سال ۲۰۰۷ در امریکا بود که یک عده از بانک های آن کشور با ارائه بیلانس غلط فعالیت خود، عوام و دولت را فریب داده و در نتیجه باعث سقوط سیستم مالی و رکود اقتصاد دنیا گردیدند.

اما نکته قابل توجه درین مقطع اینست که علی الرغم این فاجعه خطیر جهانی، هیچ دولتی در صدد چه، بلکه به فکر یافتن کدام بدیلی برای سیستم اقتصاد بازار نیز نشد. زیرا کدام سیستم کارآیی را که واقعاً بدیل آن پنداشته شده بتواند سراغ داشتند.

سخن اخیر هم این که اگر پای ندامت در بین بیاید، نباید ازین باشد که جناب کرزی صاحب سیستم اقتصاد بازار را در کشور پیاده نموده اند، بلکه باید برای ترویج شکل افغانی و مافیایی آن باشد. الله یاور

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ